

يك درس از فرائدالادب

در یکی از مقالات خود گفتیم معلم نباید هر چه راجع بموضوعی میداند بشاگردان بگوید بلکه باید ظرفیت و مقدار قوه آنان را بسنجد و مطابق استعداد آنان مطلب را بسط دهد. حال ممکن است بعضیها سخنان ما را قبول نموده ولی آنوقت از این راه افراط نمایند یعنی در جائی و موقعی هم که باید چیزی اضافه و ملحق کنند نکنند مبادا پرگویی و پرچانه یا فضیلت فروش و خود نما بقلم روند.

لازم بتذکار نیست که مؤلف يك کتاب نمیتواند هر آنچه میداند یا آنکه تمام جزئیات يك مطلبی را در کتاب خود بکنچاند و آن را از هر حیث جامع نماید زیرا اولاً شماره صفحات کتاب بیشتر از آن خواهد شد که شاگردان بتوانند در مدت معین تمام کنند و ثانیاً کتاب چنین مؤلفی قابل تدریس نیست زیرا بشاگرد یا خواننده فرصت فکر و تأمل نداده و مانع تریبه قوای فکری وی میشود. بنا بر این مؤلف دانا همیشه استنباط قسمتی از مطالب را بعهدہ قارئین میگذارد در این صورت نمیتوان گفت که معلم نباید چیزی ملحق کند بلکه در اینجا اگر از بسط مقال احتراز نماید خود را بی تجربه و بدسلیقه معرفی نموده است.

نکارنده هر گر بکلاسهای فارسی مدارس دولتی نرفته که به بینیم این قبیل حکایات چگونه تدریس و بچه قسمت آن اهمیت داده میشود ولی آنچه شنیده ام این است که در ابتدا حکایت در کلاس خوانده میشود و سپس بعضی از صنایع بدیعیه ' قسمتهای صرفی و نحوی '

معنای عبارات و لغات مشکله و امثال و اشعار عربی سؤال میشود و در آخر نتیجه اخلاقی حکایت نیز استخراج میکردد اگر چه در بعضی از کتب افسانه مانند کلیله و دمنه و مرزبان نامه و افسانه های لافوتین نتیجه را خود مؤلف (و در لافوتین کریتیک ها) بیان کرده و این خود بزعم بنده نقیصه بزرگی است (البته مؤلفین کلیله و مرزبان نامه هرگز تصور نمیکردند که دو کتاب بترتیب کنونی تدریس شود و شاگردان آنها را بشکل درس کلاسی بخوانند .)

اکنون ما حکایتی را که از مرزبان نامه انتخاب شده و در صفحه بخش دوم فرائد پنجم آقای میرزا عبدالعظیم خان نگاشته شده مثل قرارداد نشان میدهم چگونه ممکن است مطالبی بان حکایت ملحق کرد یا عقائد و معانی مستوره را کشف نمود

۱ - بنظر شما چند سال از سنین عمر بزرگمهر گذشته بود ؟
چطور میدانید ؟

۲ - آیا عقیده او راجع به اینکه در ابناء روزگار در لباس تلویین صفت دو رنگی دارند و در ناامی بمار ماهی مانند ، صحیح است یا خیر ؟ چرا ؟
پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳ - آیا شعری که در کلیله راجع به این مطلب خوانده اید بخاطر دارید ؟ (اگر نخوانده باشند یا بخاطر نداشته باشند معلم آن را ذکر نموده مناسبت آن را نیز نشان دهد :

بمار ماهی مانی نه این تمام و نه آن منافقی چه کنی مار باش یا ماهی

۴ - چرا گوینده و سازنده حکایت در وهله اول از روی بی التفاتی و بی مهری اسم مار را ذکر میکنند ؟ (گویا از همان ابتدا می خواهد بگوید که این مرد مجرب چرا راضی باشنای با بدان شد)

۵ - علت غلتیدن مار نزد برزیکر چه بود ؟ آیا در اینجا میتوانی
مثلی از خود یا از جای دیگر که شنیده یا خوانده آید ایراد نمائید؟
۶ - گمان میکنید چه فصلی از فصول بوده که برزیکر بصحرا
برون شده ؟

۷ - آیا از اخلاق برزیکر چه فهمیدید ؟ چه صفات نیکی بوی
میتوان نسبت داد ؟

۸ - صفات مار را چگونه تعریف مینمائید ؟ چرا ؟

۹ - آیا هر گز برای شما اتفاق افتاده که بکسی نیکی کنید و
بدی به بینید ؟ اگر ممکن است آن اتفاق را برای ما نیز نقل کنید.

۱۰ - آیا از خواندن این افسانه چه نتیجه گرفتید ؟

۱۱ - اگر کسی با بدان نباید آشنائی کند چگونه آنان را می-

توان اصلاح کرد ؟

۱۲ - گمان میکنید اشخاص بد اصلاح می شوند ؟ آیا مثلی یا

شعری یا حکایتی دارید که گفتار خود را مدلل سازید ؟ (ممکن است
یکی از شاکردان بگوید : بلی . آقا من در کتابی این شعر را دیدم که :

خو پذیر است نفس انسانی آچنان گردد او که گردانی شاید شاکرد

دیگری نیز بگوید پس چرا سعدی میگوید خوی بد در طبیعتی که نشست

نرود تا بوقت مرگ از دست . دیگری ممکن است بگوید آقا . شیخ در

جای دیگر نیز فرموده : عاقبت گرگ زاده گرگ شود گر چه با آدمی

بزرگ شود .) خیلی بجا و بموقع است که در چنین هنگامی معلم

این موضوع را بشکل مناظره طرح نماید و عده را برای شرکت طرف

مثبت و منفی معین کند تا در جلسه بعد حاضر شوند و عقائد

خود را اظهار کنند و بقدر مقدور حق را از باطل و سره را از ناسره

تمیز دهند . اگر معلم درست دقت نماید خواهد دید که عده غائبین در آن روز خیلی کمتر از روز های دیگر میشود و شاگردان کلاسهای دیگر نیز مایل میشوند که در این مجلس مناظره حضور بهم رسانند و از کفتهای طرفین استفاده کنند .

۱۳ - عقیده شما راجع بپدر این فرزندان چیست ؟

۱۴ - آیا بچه علت پدر میخواهد بوسیله شکایت و افسانه مقصود

خود را بگوید و مطلب خود را حالی فرزندان نماید ؟

۱۵ - آیا ممکن است برادر هم با برادر ضدیت کند ؟ شما

خود چنین چیزی را مشاهده نموده اید ؟ عقیده شما نسبت بداینقسم برادران چیست ؟

۱۶ - مقصود از این عبارت چیست : بنکر که از نیش پشه

چند آیا گمان میکنید این مسئله حقیقت دارد ؟

۱۷ - آیا چنین گفته را در کتاب خوانده اید یا در جایی

شنیده اید ؟ (ممکن است که اقلاً یک نفر از شاگردان جواب مثبت

دهد و بگوید که در گلستان شعر ذیل را خوانده : پشه چو پر شد

بزند پیل را با همه تندی و صلابت که از است .)

حال التفات فرمودید که شاگرد و معلم چگونه میتوانند حقایق

مستوره يك حکایت را با قدری فکر و تأمل که لازمه تدریس و تدریس

صحیح است کشف نمایند و همه در جواب دادن سؤالات فکری معلم

شرکت جویند . بعلاوه اینطرز تدریس در محصل ایجاد حس رقابت

(که تا حدی معین مستحسن است) و علاقه نموده و هر يك تقلا

مینماید که خود را داناتر و مطلعتر و با هوش تر قلم دهد و جلب

توجه معلم و همشاگردیهای خود را بنماید و ضمناً هم بدینمنوال حکایت درس از هر حیث حلاجی و موشکافی شده و کلاس هم منظم و مرتب نگهداری شده و به محصلین فرصت انلاف و تضييع وقت داده نشده است

علی محمد عامری

آدمیت

آدمی نر پی علف خواری است از پی زیرکی و هشیاری است !
 سگ بر آن آدمی شرف دارد کو چو خر دیده بر علف دارد . . .
 کوش تا خلاق را بکار آئی تا بخدوت جهان بیارائی . . .
 چون کل آن به که بوی خوش داری تا در آفاق خوی خوش داری .
 آن شنیدی که آن حکیم چه گفت: ؟ خواب خوش دیدهر که او خوش خفت

نظامی - بهرامنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی